

## خانه خاکساری

اهتمام اهل بیت (علیهم السلام) به مسجد

زهره شریعتی (کارشناس الاهیات)

عبادت و پرستش خداوند تبارک و تعالی از جمله اموری است که عقل هیچ اندیشمند و متفکری نمی‌تواند حضور آن را در

زندگی نوع بشر به سادگی انکار نماید. با وجود پیشرفت شگرف علوم مختلف هرگز پاسخ کامل و یا حتی قانع کننده‌ای

درباره این نوع نیاز بشری ارائه نشده است. اضطراب ناشی از زندگی مدرن، علی‌رغم آسایش آفرینی فراوان، هرگز درمانی

جز معنویت دینی و راهکار عبادت و پرستش خداوند متعال ندارد.

رفتار عبادی بشر در برابر معبود حقیقی و معبود دروغین با همه تفاوت‌های ظاهری در بعضی موارد اشتراکاتی دارد که آن به

خاک افتادن و سجده کردن است؛ سجده بت پرستان همان اوج خاکساری یک انسان در برابر معبود دروغین است.

دین انسان‌پرور اسلام به‌عنوان خاتم و کامل‌ترین دین الهی مناسک و آیین‌های بندگی متفاوتی را برای تقرب به خداوند

تبارک و تعالی دارد. نماز به‌عنوان رسمی‌ترین رفتار و آیین عبادی در این دین نماد کمال پرستش و نیایش است. در میان

اعمال نماز نیز سجده ویژگی منحصر به فردی دارد که تکرار دودفعه‌ای آن در هر رکعت، نشان از همین اهمیت دارد؛ چراکه

خدای متعال بنا بر نص آیه پایانی سوره علق برای تقرب به خویش به رسول مکرم خود امر به سجده می‌نماید. نکته

جالب‌تر آنکه همگان نیز پس از قرائت آن نیز واجب است که به سجده بروند. در روایات متعددی نیز نزدیک‌ترین راه برای

نیایش با خدا همین عمل سجده است. این نکته می‌تواند مهمترین دلیل در نامگذاری «مسجد» به این نام باشد.

اهل بیت (علیهم السلام) به‌عنوان مقربان درگاه الهی اهتمام خاصی را به مسجد دارند. ابعاد مختلف اهتمام حضرات

معصومین (علیهم السلام) به مسجد در روایات متعددی آمده که در نوع خود کم‌نظیر و در بعضی موارد بی‌نظیر است. در

سیره اهل بیت (علیهم السلام) از مراعات حداقل‌های فردی تا فعالیت‌های گسترده اجتماعی در این مکان مقدس مورد توجه قرار گرفته است که در این نوشتار به بخش‌هایی از آنها اشاره می‌گردد.

## خانه دوست

انسان ذاتاً آزادی‌طلب است؛ لذا برای به دست آوردن این هدف بلند دست به هر تلاش و کوششی می‌زند. در ماجرای تولد مریم مقدس در قرآن کریم به نقل از مادر ایشان آمده که: «رب انی نذرت ما فی بطنی محرراً؛ پروردگارا من نذر کردم این فرزند در شکم خویش را آزاده [از قیود بندگی غیر خودت]».

در روایات متعدد آمده است که خاک مسجد و تمامی متعلقات آن مربوط به خداوند تبارک و تعالی است و هرگز در مالکیت هیچ خلقی قرار نمی‌گیرد؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده: «إِنَّمَا أَمْرٌ لِّتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بَيْتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ؛ امر به تعظیم مساجد به خاطر این است که مساجد خانه‌های خدا در روی زمین است».<sup>۱</sup>

## بازار آخرت

در روایتی از نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله) آمده است که فرمودند: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قِرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَ تَحْفَتُهَا الْجَنَّةُ؛ مساجد بازاری از بازارهای آخرت است که در آن بر سفره آمرزش می‌نشینند و با هدیه بهشتی بدرقه می‌شوند».<sup>۲</sup>

نکته جالب توجه در روایت، تشابهی است که بین مسجد و بازار قرار داده می‌شود. شاید حکمت این مسئله در این نکته است که انسان ذاتاً موجودی منفعت طلب است که اغلب گرایش به چیزهایی دارد که حداقل سودآوری را برایش داشته باشد؛ لذا روایت با تشبیه این مکان به بازار گویای تأمین منفعت اخروی انسان‌های مؤمن است.

شاید وجه دومی که در روایت با این تشبیه وجود دارد جایگاه اجتماعی مسجد در سوددهی اخروی به اجتماع مؤمنین و حتی غیر آنان باشد؛ چراکه انسان مؤمن مسجدی به واسطه فرهنگی مسجدی نمی‌تواند خودخواه و منفعت‌طلب و متجاوز به حق دیگران باشد و اجتماع مؤمنان تنها به منفعت طلبی اخروی می‌اندیشد.

## جایگاه خاصان

اکتشافات جدید علمی از تأثیرگذاری اماکن در تربیت انسان حکایت دارد. مثال ساده این مسئله در نزدیک‌ترین موضوعات اطراف ما نیز موجود است؛ مثل آنکه غالباً انسان با ورود به سالن غذاخوری میل به خوردن نیز پیدا می‌کند و یا هنگامی که مدتی در سالن مطالعه توقف دارد کم‌کم میل به مطالعه کتاب می‌یابد. بر این اساس مسجد نیز مکانی تأثیرگذار شناخته می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز آثار فردی و اجتماعی فراوانی شود. در روایتی از رسول خاتم(صلی الله علیه و آله) آمده:

«الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ؛ مساجد، مجالس پیامبران است».<sup>۳</sup>

فهم این نکته می‌تواند مسئولیت فراوانی را برای اهل مسجد به وجود آورد که چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی شاخص‌های ممتاز هم‌نشینیان مسجدی خود را پس از ایجاد در خود حفظ و برای ترویج آن نیز فعالیت نمایند. نتیجه این نوع

تربیت در روایت دیگری از آن حضرت این‌گونه بیان گردیده است: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ يُبُوتُ الْمُتَّقِينَ، وَ مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ

يُبُوتُهُ فَقَدْ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّحْمَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ مساجد، خانه پارسایان است و هرکس خانه‌اش

مسجد باشد، خداوند کار او را با رحمت و شادی قرار داده، اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد».<sup>۴</sup>

شستشویی کن و آنکه...

پاکی و طهارت ظاهری و حتی باطنی فصل مشترک تمامی آیین‌های بندگی در اسلام است. این نکته حکایت از بسترسازی یک زندگی بهداشتی، چه در بعد جسمانی و چه در بعد روانی دارد. مسجد، مکان مقدس اجتماع اسلامی مشروط به ورود با طهارت است که گویای این فرهنگ متعالی است؛ چنان که در روایتی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است: «لَا تَدْخُلُ الْمَسَاجِدَ إِلَّا بِالطَّهَارَةِ؛ برای ورود به مساجد با طهارت و پاکی باشید».<sup>۵</sup>

در روایتی دیگر نیز از آن حضرت ورود زن حائض و انسان جنب نیز به این مکان پاک و طاهر نهی گردیده است. از جمله دیگر آداب خانه خدا که در روایات آمده توجه به نوع ورود به مسجد است. در حدیثی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سَكُونٍ وَ وَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ؛ هر کس می‌خواهد به مسجد داخل گردد، با آرامش و با طمأنینه وارد شود؛ چون مساجد خانه‌های خدا و محبوب‌ترین محل‌ها در نظر اوست».<sup>۶</sup>

امام باقر (علیه السلام) در بیان شرایط ورود به مسجد می‌فرماید: «الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ، أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيُمْنَى إِذَا دَخَلْتَ وَ بِالْيُسْرَى إِذَا خَرَجْتَ؛ بهتر آن است که هنگام ورود به مسجد ابتدا پای راست را بگذاری، و هنگام خروج ابتدا پای چپ».<sup>۷</sup>

در بعد اجتماعی نیز آداب مسجد مورد اهتمام اهل بیت (صلوات الله علیه اجمعین) است؛ چنان که در بیانی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده: «مَنْ أَكَلَ شَيْئًا مِنَ الْمُؤْذِيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرُبَنَّ الْمَسْجِدَ؛ هر کسی چیزی خورده است که بوی آن مردم را می‌آزارد، به مسجد نزدیک نشود».<sup>۸</sup>

برخی تأکیدات دیگر در عدم ورود بچه‌ها و یا دیوانگان و مانند اینها در مساجد نیز از توجه ویژه خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) به مسجد دارد. آنچه آمد بخش بسیار کوچکی از اشارات آن بزرگواران درباره خانه بندگی و آزادگی بود و پرداختن به ابعاد دیگر فرصت گسترده‌ای را می‌طلبد که از حوصله این نوشتار بیرون است.

پي نوشت:

---

۱. وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۵۵۶ و بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۴. همان، ج ۷، ص ۶۵۹.

۵. همان، ص ۳۸۸.

۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۷. وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۵۱۷.

۸. همان، ص ۵۰۲.